

بررسی تطبیقی وحدت ذهن و عین در مساله‌ی شناخت نزد صدر ا و هگل

مهدی دهباشی^۱ / اصغر فتحی عمادآبادی^۲ / محدثه آهی^۳

چکیده

نحوه‌ی ارتباط وهمیستگی واقعیت واندیشه، یا ذهن و عین همزمان با قدمت تفکر عقلانی انسانی است و همواره مسائل ومشکلاتی در باب آن مطرح بوده است. در تاریخ فلسفه چه در غرب و چه شرق سعی براین بوده است تا به این مشکل فائق آیند. در غرب پدیدارشناسی از جمله راهایی است که برای حل این مشکل مطرح شده است. در فلسفه‌ی اسلامی هم ذهن و عین دو امر وجودی ومستقل از هم هستند که به یکدیگر بدل نمی شوند البته این دو در طول هم می باشند در این صورت چگونگی ارتباط عالم خارج و ذهن مسئله‌ای می باشد که این مستقیماً ربط پیدا می کند با مساله علم. در این جاست که صدر ا برای اولین بار در فلسفه‌ی اسلامی به حل این مساله می پردازد و می گوید که مفاهیم بنا بر حمل اولی ذاتی عین ماهیت معلوم اند، ولی بنابر حمل شایع صناعی عین معلوم نیستند یعنی مصداق ماهیت معلوم قرار نمی گیرد. بنابراین صدر ا علم را نحوه‌ای از وجود مجرد از ماده دانسته است و ی به تطابق شناخت ذهنی با عین خارجی معتقد شد. از سوی دیگر در تاریخ فلسفه‌ی غرب، هگل بیان می کند که برداشت های کانت از معرفت باعث شکاکیت و فاصله انداختن بین معرفت و واقعیت است وهمچنین تجربی مسلکان نیز معرفت را بد فهمیده اند آن ها بین واقعیت و ذهن فاصله انداخته اند. راه حل هگل در مساله‌ی شناخت شناسی این است که بگوییم عالم ومعلوم یکی اند، عالم ذهن است ومعلوم هم ذهن است، زیرا دو رویه از یک حقیقتند. پس ما باید دیوار بین عالم ذهن وعالم عین را خراب کنیم در این صورت است که هستی برای آگاهی ما ظهور پیدا می کند. البته این انطباق طوری است که این دو عالم از یکدیگر قابل تمیز هستند. از این رو هم هگل وهم صدر ا در واقع مساله شان یکی است هرچند که ممکن است اصطلاحات آنها با هم فرق بکند.

واژگان کلیدی: صدر ا، هگل، وحدت ذهن وعین، شناخت، حمل اولی ذاتی وحمل شایع صناعی، آگاهی

۱ - استاد گروه فلسفه دانشگاه اصفهان

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه غرب دانشگاه اصفهان

۳ - دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه غرب دانشگاه اصفهان